

اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تأکید بر سخنان و سیره عملی رسول خدا ﷺ

مهسا فاضلی*

چکیده

تربیت دینی، مجموعه دگرگونی‌هایی است که در فکر و عقیده فرد، به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار، که متکی بر ضوابط مذهب باشد، انجام می‌گیرد. در سایه این دگرگونی‌ها، اخلاق، عادات، آداب و رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص صورت مذهبی و دینی به خود می‌گیرد. از آنجایی که تربیت دینی و مذهبی انسان از دوران کودکی و حتی پیش از تولد آغاز می‌شود، توجه به تربیت دینی کودکان از جنبه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی امری مهم و ضروری است. این مقاله با مطالعه اسنادی به معرفی مراحل تربیت دینی، و چگونگی و اصول آن پرداخته است. از آنجایی که هدف همه پیامبران به ویژه رسول اکرم ﷺ تربیت انسان بوده است، به اقوال و افعال پیامبر خدا ﷺ در زمینه تربیت دینی کودکان پرداخته شده است. رسول خدا ﷺ در جایگاه رهبر دینی جامعه، توجه ویژه‌ای به کودکان داشته و بر تربیت دینی آنان توصیه فرموده است. علاوه بر آن، از آن حضرت ﷺ درباره چگونگی و مراحل تربیت دینی (دوران جنینی، دوران نوزادی و شیرخواری، هفت سال اول و هفت سال دوم و...) آموزه‌های فراوانی گزارش شده که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت دینی، اصول تربیت، مراحل تربیت.

مقدمه

تربیت و پرورش کودکان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پدر و مادر و خانواده‌ها به شمار می‌رود. اگر تربیت فرزندان بر پایه اصول تربیت دینی و مذهبی باشد و در عین حال به اصول روان‌شناسی و تربیتی و مراحل رشد کودک توجه شود، پدر و مادر در امر تربیت موفق خواهند بود. به دلیل اهمیت این موضوع و تأکیدی که دین اسلام و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بر تربیت دینی کودکان داشته‌اند، دانستن اصول تربیت دینی کودکان و انجام تحقیق در این زمینه ضرورت پیدا می‌کند. در تحقیق حاضر با استناد به روایات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، اصول و مراحل تربیت دینی استخراج شده و با استناد به برخی آراء روان‌شناسی، یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با توجه به پاره‌ای از مسائل اجتماعی و روز تبیین شده است تا نتایج برای خوانندگان کاربردی‌تر و مفیدتر باشد. این نکته از مهم‌ترین جنبه‌های نوآوری این تحقیق به شمار می‌رود.

درباره پیشینه تحقیق لازم است ذکر شود هرچند در زمینه دیدگاه‌های تربیتی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و چگونگی برخورد آن حضرت با کودکان مقالات و تحقیقات پراکنده‌ای انجام شده، اما به صورت تطبیقی تحقیق مستقلی انجام نشده و هنوز هم جا برای تحقیقات بیشتر در این زمینه وجود دارد. به گونه‌ای که بتوان این یافته‌ها را در خانواده‌ها و مراکز تربیتی مورد استفاده قرار داد.

مادر این پژوهش با سؤالات متعددی روبه‌رو هستیم که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. تربیت مذهبی کودکان از نگاه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چقدر ضرورت داشته و روش‌های تربیتی پیامبر در برخورد با کودکان چه بوده است؟
۲. آیا مبنای رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در برخورد با کودکان بیشتر بر پایه تسامح و تساهل بوده است یا قاطعیت و جدیت؟

۳. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در برخورد با کودکان چه معیارها و اصولی داشته‌اند؟

۴. بر اساس سیره رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تربیت دینی و مذهبی کودکان از چه سنی آغاز می‌شود؟

۵. آیا روش‌ها و مبانی مستخرج از سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) امروزه در بین خانواده‌ها و مراکز تربیتی قابل اجرا می‌باشد؟ برای به‌کارگیری این روش‌ها و مبانی باید چه تدابیری اندیشید و آگاهی خانواده‌ها از این روش‌ها و توصیه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چقدر اهمیت دارد؟

اهمیت کودک و دوران کودکی

امروزه درباره‌ی کودک و اهمیت دوران کودکی تحقیقات زیادی به عمل آمده است و روان‌شناسان و پژوهشگران تعلیم و تربیت، در این زمینه توجه فراوانی مبذول داشته و درباره‌ی رشد جسمانی و روانی کودک مطالعات زیادی انجام داده‌اند. آنان نقش تجارب کودکی را برای کسب شخصیت سالم در مراحل مختلف رشد و بخصوص بزرگسالی، مهم می‌دانند. اما در گذشته و بخصوص در عصر جاهلیت هم عصر نزول قرآن، چنین دیدگاهی حاکم نبود. این دیدگاه و نگرش غلط به کودک در بین دیگر اقوام و ملل نیز وجود داشت تا آنجا که حتی در بین برخی از اقوام، کشتن کودکان را حق قانونی والدین می‌دانستند.

در لسان حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، کودک بسان یک انسان و آفریده‌ی خدا، جایگاه ویژه‌ای دارد و باید مورد تکریم و محبت قرار گیرد تا بتواند انسان صالح و سازنده‌ای برای خانواده و جامعه خود باشد. پیامبر رحمت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در جامعه‌ای که برخوردهایی ناشایست و ناپسند با کودکان می‌شد، به روشنگری و هدایت اندیشه‌ها پرداخت و کودک و به ویژه فرزند صالح را ستود.

از این رو رسول خدا ﷺ داشتن فرزند را وسیله آزمایش والدین دانسته است (۱۲) تا خداوند بندگان را بیازماید که با وجود داشتن فرزندان و حبّ به آنان، تا چه حد نسبت به انجام وظایف و تکالیف دینی خود پایبندند و تا چه حد از دلبستگی به دنیا دوری می‌گزینند.

پیامبر ﷺ در برخورد و رفتار با کودکان، اصولی را بیان داشته و در عمل نیز بدان‌ها پایبند بودند؛ اصول و معیارهایی که با عمل بدان‌ها، زمینه تربیت دینی و صالح و نیکوکار شدن فرزندان فراهم می‌گردد. همچنین رسول خدا ﷺ در راه تربیت و پرورش کودک، وظایف و تکالیفی را برای والدین مقرر داشته و خود نیز در زندگی شخصی بدان‌ها عمل می‌کردند.

اهمیت تربیت دینی

تربیت از ریشه «ربو» و در لغت به معنای زیاد شدن، رشد کردن و بزرگ شدن است (۱۳) و در اصطلاح عبارت است از: «ایجاد تغییرات مطلوب و تحولات ثمربخش در محیط زندگی انسان به منظور ساختن او و شکفتن استعدادهايش». (۱۴) همچنین تربیت را می‌توان «پروراندن قوای جسمی و روحی انسان برای وصول به کمال مطلوب و انتقال طرز تفکر و عمل جامعه به آیندگان» دانست. (۱۵)

«تربیت مذهبی، کنترلی برای اخلاق، ضابطه‌ای برای حیات فردی و اجتماعی و رشد معنویت است. مذهب می‌تواند تقویت‌کننده وجدان اخلاقی کودک و عامل بازدارنده و کنترل‌کننده باشد. اگر تربیت مذهبی بر اساس اندیشه درست استوار باشد، موجب رشد و پیشرفت کودک می‌شود.» (۱۶)

تربیت دینی و مذهبی کودکان از جنبه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، قابل بررسی است. مذهب و دین،

پیامبر اکرم ﷺ در جایی فرمود: «هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل، فرزند است.» (۱) همچنین آن حضرت، داشتن فرزند صالح و نیکوکار را از سعادت و خوشبختی مرد می‌دانستند (۲) و او را به گل توصیف می‌کردند. (۳) پیامبر اکرم ﷺ فرزند صالح را «ریحانه» ای معرفی کرده است که خداوند آن را به بندگان عطا می‌فرماید. (۴)

«ریحان» در لغت به معنای بوییدنی و چیزی است که بوی خوش داشته باشد یا به معنای رزق و روزی و رحمت است و در اثر اطلاق به رزق، به فرزند، «ریحان» گفته شده است. (۵) همچنین از این روی فرزند به ریحان تشبیه شده است که او را می‌بویند و به خود می‌چسبانند، آنچنان‌که گیاه ریحان را می‌بویند و غم و اندوه را به وسیله آن از بین می‌برند. (۶)

نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «فرزندان، نور دیدگان و جگرگوشه‌های ما و خردسالان‌شان، فرمان‌روایان ما هستند.» (۷) همچنین ایشان، بوی فرزند را از بوی بهشت دانسته (۸) و فرموده‌اند: خانه‌ای که در آن کودک نباشد، برکت ندارد. (۹) علی‌رغم آنکه رسول خدا ﷺ فرزند، به ویژه فرزند صالح را ستوده و داشتن آن را مایه سعادت و خوشبختی آدمی دانسته‌اند، در برخی روایات، فرزند، از موجبات دلبستگی و حبّ به دنیا معرفی شده است. در این زمینه، رسول خدا ﷺ فرموده است: فرزندان، میوه دل و نور دیدگان والدین‌اند؛ ولی با این حال، موجب ترس و بخل و حزن و اندوه آنانند. (۱۰)

فرزند سبب ترس پدر نسبت به شرکت در جهاد و انفاق و بخشش مال می‌شود و شیفتگی و حبّ به مال و دنیا را به دنبال دارد. همچنین فرزند، آدمی را به بخل وامی‌دارد و او را به سوی آن می‌خواند و در بخشش آن نیز تنگ‌چشمی و خست می‌ورزند. همچنین علاوه بر مال، داشتن فرزند، حبّ به بقا را نیز به دنبال دارد. (۱۱)

داشت و اهل احسان و نیکی به پدر و مادر نخواهد بود و از فرامین او سرپیچی خواهد کرد. احتمال لغزش و انحراف فرزندان تا بدان حد است که حتی رسول خدا ﷺ از شر آن به خدا پناه می‌برد. مراحل تربیت نیز مورد توجه آن حضرت بوده است که در ادامه، به آنها پرداخته می‌شود.

آغاز تربیت

۱. پیش از تولد

از نگاه پیامبر ﷺ، تربیت و پرورش کودک، پیش از انعقاد نطفه آغاز می‌شود. توصیه‌های پیامبر ﷺ به مردان مبنی بر انتخاب همسر نیکو و صالح و حتی اشاره به ویژگی‌های جسمی و روحی زن، بیانگر این معناست. آن حضرت فرمود: «دقت کن و ببین نطفه خود را در کجا قرار می‌دهی؛ زیرا خلیقات از خانواده به فرزند می‌رسد.» (۲۵) بر شما باد که از ازدواج با زنان کم‌فهم و نادان پرهیز کنید؛ زیرا زندگی با آنان دردسر، و فرزندانشان ضایع و تباه می‌شوند. (۲۶) همچنین توصیه‌های پیامبر ﷺ به دعا و ذکر پیش از انعقاد نطفه، بیانگر تأثیر دعا و حالات معنوی و روحی پدر و مادر در انعقاد نطفه است. (۲۷)

۲. دوران جنینی

امروزه بیش از گذشته، دوران جنینی و تأثیر تغذیه و حالات و روحیات مادر بر جنین مورد توجه قرار گرفته است. از نظر روان‌شناسان و پزشکان، آرامش یا اضطراب مادر در دوران بارداری و نوع تغذیه و سلامت و حتی حالات روحی و روانی مادر، مستقیماً بر سلامت جسمی و روحی جنین اثرگذار است.

به لحاظ روان‌شناسی، علی‌رغم عدم ارتباط مستقیم دستگاه عصبی جنین با مادر، حالت‌های هیجانی مادر از قبیل خشم، ترس و اضطراب می‌تواند در عکس‌العمل‌ها

پایه و اساس زندگی و موجب رشد و تکامل آدمی و رسیدن به مقام فرزند صالح، یا عبد صالح است.

از رسول اکرم ﷺ در بیان اهمیت تعلیم و تربیت و آموزش آداب فردی و اجتماعی به کودکان، سخنان فراوانی ذکر شده است. آن حضرت در جایی فرمودند: «به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید.» (۱۷) همچنین از نگاه آن حضرت، بهترین هدیه و بخشش پدر به کودک و یا باارزش‌ترین ارثی که او از خود به جای می‌نهد، ادب و تربیت نیکوست. (۱۸)

پیامبر ﷺ که خود تحت تربیت نیکوی خداوند قرار داشت و خود را پرورده خدا می‌دانست، (۱۹) تعلیم و تربیت کودک را همواره از حقوق و وظایف والدین معرفی می‌کرد (۲۰) و تربیت کودک را از دادن صدقات بسیار به نیازمندان، برتر و با فضیلت‌تر می‌دانست. (۲۱)

پیامبر ﷺ از پدران شکوه می‌کرد که چرا به فرزندان خود آموزش‌های دینی نمی‌دهند: «وای بر فرزندان آخر زمان از پدرانشان. عرض شد: یا رسول‌الله، از پدران مشرک آنان؟ فرمود: نه، بلکه از پدران مسلمانان که هیچ چیز از فریض مذهبی را به کودکان خود نمی‌آموزند؛ و اگر فرزندان برخی از مسائل دینی را فراگیرند، آنان را از ادای این فریضه باز می‌دارند. آنان به این قانعند که فرزندانشان متاع ناچیزی از دنیا به دست آورند. من از این قبیل پدران بیزارم.» (۲۲)

آن حضرت همچنین تربیت کودکان را موجب کسب مغفرت و پاداش الهی و مانع از ورود والدین به آتش دوزخ معرفی کرده است. (۲۳) اهمیت تربیت کودک و داشتن فرزند صالح تا بدان حد است که رسول خدا ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام برای داشتن فرزند خوب، دعا می‌کردند و از شر فرزند ناصالح به خدا پناه می‌بردند. (۲۴) بی‌شک، فرزندی که مورد توجه و تکریم قرار نگیرد و به خوبی تربیت و پرورش نیابد، چنین ویژگی‌ای خواهد

فاتحه‌الکتاب، آیه‌الکرسی، سوره «اخلاص»، معوذتین و آیات آخر سوره «حشر» را نیز در گوش حسنین علیهم‌السلام خوانده است. (۳۲)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان علت این سنت پسندیده، به علی علیه‌السلام فرموده است: یا علی، چون فرزندی نصیب تو شد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگو تا هرگز شیطان به او آسیبی نرساند. (۳۳) همچنین در مقامی دیگر، فرمود: اگر زن یا یکی از اعضای خانواده‌ات، بدخلق شد، در گوش‌های او اذان بخوان. (۳۴) از این روایات برداشت می‌شود که گفتن اذان و یا هر ذکر و دعای دیگر در گوش آدمی، در آرامش درونی انسان و در امان ماندن از شیطان بی‌تأثیر نیست.

این سنت پسندیده موجب می‌شود که انسان از بدو تولد، با شعار اسلام آشنا شود، چنان‌که به هنگام مرگ نیز با این کلام (شهادتین) دنیا را وداع می‌گوید. قطعاً آنچه گوش می‌شنود، در اعماق جان و روح آدمی اثر می‌گذارد. ب. **عقیقه و صدقه:** عقیقه از مصدر «عق» به معنای شکافتن

و جدا کردن است. عقیقه، قربانی‌ای است که در هنگام تولد نوزاد ذبح می‌شود. از این رو، به این قربانی، «عقیقه» گفته‌اند؛ زیرا حلقومش را می‌شکافند و جدا می‌سازند. (۳۵) نقل شده است که وقتی امام حسن علیه‌السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دو قوچ ابلق برای او عقیقه کرد. یک ران از آن را با یک اشرفی، به قابله امام علیه‌السلام عطا کرد و برای همسایگانش نیز از گوشت آن قربانی فرستاد. سپس سر حسن علیه‌السلام را تراشید و به وزن موی سرش، نقره صدقه داد و سرش را معطر کرد و بوسید. درباره امام حسین علیه‌السلام نیز چنین مراسمی را انجام داد. (۳۶)

علی علیه‌السلام در این زمینه فرموده است: برای نوزاد خود در روز هفتم، عقیقه کنید و به وزن موهای سرش به مسلمانان صدقه بدهید، چنان‌که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای

و رشد جنین تأثیر بگذارد؛ زیرا این حالت‌ها، مواد شیمیایی ایجاد می‌کند که می‌تواند از طریق جفت وارد بدن جنین شود. همچنین ترشح برخی هورمون‌ها باعث تغییر در سوخت و ساز بدن و ترکیبات خون می‌شود و از طریق جفت در جنین اثر می‌گذارد و حرکات جنین را افزایش می‌دهد. (۲۸) توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر پیشوایان دینی مبنی بر توجه و مهرورزی به مادران باردار و حمایت عاطفی از آنان به وسیله همسر، در راستای توجه به همین امر است.

از دیگر موارد، اهمیت تغذیه مادران باردار است که مورد توجه پزشکان و دانشمندان قرار گرفته است. در سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشانه‌هایی از توجه آن حضرت به این مطلب به چشم می‌خورد. توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبنی بر دادن به، کندر و خرما به زنان باردار و تأثیر آن در خلق و خو و ظاهر فرزند، از جمله این موارد است. (۲۹)

۳. دوران نوزادی

این دوران که حدود یکی دو هفته نخست اول زندگی را شامل می‌شود، (۳۰) مورد توجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار گرفته است. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره تولد نوزاد، آداب و سنن نقل شده است که غالباً تا امروز نیز ادامه دارد و خانواده‌ها خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند. در ذیل به مهم‌ترین این آداب و سنن اشاره می‌شود:

الف. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد: روایت شده است که وقتی حسن علیه‌السلام متولد شد، رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اسماء بنت عمیس فرمود: ای اسماء، فرزندم را بیاور. اسماء او را به حضور پیامبر برد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوزاد را در آغوش گرفت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند؛ چنان‌که در مورد حسین علیه‌السلام نیز چنین کرد، (۳۱) بر اساس برخی روایات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علاوه بر اذان و اقامه،

حسین علیه السلام و دیگر فرزندانش چنین می‌کرد. (۳۷)

بدون شک، انجام مراسمی همچون عقیقه و ولیمه برای تولد نوزاد، موجب تکریم و احترام به او و حتی مادرش می‌شود و نشان از شادمانی و خرسندی پدر از تولد نوزاد دارد. این خرسندی تا بدان حد است که پدر به میمنت تولد نوزاد خود، مجلس مهمانی برگزار می‌کند. روشن است که اگر این موارد در راه کمک به نیازمندان باشد از ارزش بیشتری برخوردار است.

ج. نام‌گذاری نیکو: از جمله مواردی که مورد توجه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته، نام نهادن کودک است؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز هفتم ولادت حسنین علیهما السلام، پس از عقیقه و صدقه دادن برای آن دو نوزاد، درباره نام‌گذاری آنان، با علی علیه السلام گفت و گو کرد. (۳۸)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام نیکو نهادن بر فرزند را از جمله حقوق مسلم فرزند بر پدرش معرفی کرده و فرموده است: «حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوبی برایش انتخاب و او را نیکو تربیت کند.» (۳۹)

از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نخستین چیزی که مرد به فرزندش می‌بخشد، نام است، پس باید او را نام نیک نهاد. (۴۰) همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از راه‌های تحقق محبت و احترام و به دست آوردن دل‌های دیگران را کنیه‌ها و نام‌های نیک می‌دانست (۴۱) و دوست نداشت که مردم، یکدیگر را به نام‌های بد صدا زنند. از این رو، آن حضرت نسبت به نام‌گذاری کودکان، حساسیت فراوانی داشت و در این زمینه به تغییر و جایگزینی اقدام می‌کرد. از آن رو که نام‌های افراد و گروه‌ها، تا حدی نماد باورها و گرایش‌های آنان است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأکید داشت، نام‌ها و اسامی کودکان، رنگ و بویی از سنت‌ها و آداب غلط جاهلی نداشته باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با رد برخی اسامی ناپسند، به معرفی نام‌های نیکو پرداخت.

اعراب جاهلی، فرزندان خود را به الفاظ و اسامی ای نام‌گذاری می‌کردند که نشان از پرستش بتان داشت. حتی آنان در نام‌گذاری کودکان، از اسامی برخی حیوانات استفاده می‌کردند و چون اهل جنگ و غارت بودند، نام فرزندان خود را به نام‌هایی همچون حرب و... که نماد جنگ و درگیری بود، می‌نامیدند تا بدین وسیله، دشمنان را بترسانند و رعب و وحشت در دل آنان ایجاد کنند و یا نام پادشاهان و ملوک را بر فرزندان خود می‌نهادند. (۴۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تعالیم خود، به رد این اسامی پرداخت و نام‌گذاری نیکوی فرزندان را وظیفه والدین معرفی کرد. (۴۳)

تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر حذف نام‌های بد و جایگزین کردن نام‌های نیک و پسندیده برای کودکان و بزرگان که به ظاهر امر ساده‌ای به نظر می‌رسد، نوعی تکریم و بزرگداشت انسان است. بدون شک، نام نیکو و بافضیلت تأثیرات مثبتی بر روان کودک می‌گذارد و برای او نیکی و زیبایی را الهام می‌بخشد و احساس رضایت و اعتماد به نفس را به ارمغان می‌آورد. بعکس، نام‌های ناخوشایند و ناپسند یا بی‌معنی، موجب حقارت و رنج کودک را فراهم می‌کند.

د. تغذیه با شیر مادر: اهمیت تغذیه کودک با شیر مادر و نیز تأثیرات حالات روحی و معنوی مادر بر نوزاد در دوران شیردهی، از امور بسیار مهمی است که بخصوص در دهه اخیر، مورد توجه پزشکان و روان‌شناسان قرار گرفته است. پیش از آنکه علوم جدید پرده از اسرار و تأثیرات شیر مادر بردارد، قرآن و پیشوایان دینی به این مطلب توجه داشته‌اند.

حتی پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ظهور اسلام، مسئله شیر مادر در بین عرب، از شأن و جایگاه والایی برخوردار بود. از آن رو که این امر در تربیت و خلق و خوی کودک تأثیرگذار است، اعراب تأکید داشتند که خود مادر به فرزندش شیر دهد و اگر مادر عذری داشت، افراد فامیل یا

در پایان این مبحث اشاره می‌شود دادن مژدگانی به هنگام شنیدن خبر تولد نوزاد به منظور تکریم او و مادرش، (۴۹) اختتن نوزادان در روزهای نخست (۵۰) و نیز تحنیک، یعنی نرم کردن خرما و مالیدن آن در دهان نوزاد به وسیله افراد باتقوا و صالح، (۵۱) از دیگر آداب و سنن تولد نوزاد است که مورد توجه رسول خدا ﷺ بوده است.

۴. هفت سال اول زندگی

در روایات منقول از پیامبر ﷺ و پیشوایان دینی، تقسیم‌بندی‌هایی از مراحل رشد، و ویژگی‌های هر مرحله به چشم می‌خورد. رسول رحمت ﷺ در این زمینه فرموده است: «الولدُ سیدٌ سبع سنین، و خادمٌ سبع سنین، و وزیرٌ سبع سنین...»؛ فرزند هفت سال آقا است، هفت سال خدمتگزار و مطیع، و هفت سال وزیر و مشاور. (۵۲) پیامبر ﷺ با توجه به اهمیت هفت سال نخست زندگی، در رشد و تکوین آدمی این دوره را دوره «سیادت و سروری» دانسته است.

واژه «سید» به معنای سرور، بزرگ، مهتر و آقا است. (۵۳) کاربرد این واژه درباره دوره کودکی اول، حکایت از آن دارد که کودک در این دوره، باید به اندازه کافی مورد توجه و احترام خانواده و دیگران قرار گیرد و در حکم آقا و سروری باشد که مورد تکریم است و اهانت و تحقیری متوجه او نیست. در این دوره نه تنها نباید با او آمرانه و تحکم‌آمیز برخورد کرد، بلکه او خود امر می‌کند. در تأیید این سخن، کلام دیگری از رسول خدا ﷺ نقل شده است که حضرت می‌فرماید: فرزندان ماجگروشه‌های ما هستند؛ خردسالان نشان فرمان‌روایان مایند. (۵۴)

همچنین در برخی از روایات، به یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره، یعنی بازی کردن، اشاره شده است. از رسول خدا ﷺ و همچنین امام صادق علیه السلام نقل شده

افراد سالمی که دارای خانواده‌ای اصیل بودند، برای شیردهی انتخاب می‌شدند. اعراب در انتخاب دایه برای شیردهی دقت و توجه زیادی مصروف می‌داشتند (۴۴) و دراز شیر گرفتن اطفال خود تعجیل نمی‌کردند. مدت زمان شیردادن که در بین عرب متعارف بوده بیش از بیست ماه گزارش شده است. (۴۵)

پیامبر ﷺ باورها و سنن رایج عرب را که مطابق با عواطف و فطرت انسانی و تأثیرگذار بر جنبه‌های روانی و روحی شخصیت او بود، تأیید می‌کرد. از این رو، در توصیه‌های تربیتی آن حضرت، اهمیت شیر مادر مورد توجه واقع شده است.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست.» (۴۶) همچنین آن حضرت شیر را موجب تغییر طبع و خلق و خوی کودک دانسته است. (۴۷) به همین دلیل، در سخنان ایشان ویژگی‌هایی برای مادران شیرده ذکر شده است. (۴۸)

نکته قابل ذکر آن است که امروزه به دلیل حضور اجتماعی زنان و اشتغال مادران، بسیاری از نوزادان، در ساعاتی از روز از شیر مادر و آغوش گرم او محروم می‌مانند. جدایی کودک از مادر در طی ساعات طولانی - به ویژه در دوران شیرخوارگی - صدمات زیادی را به لحاظ روحی و روانی بر کودک وارد می‌آورد. نامناسب بودن شرایط مهدهای کودک و عدم آگاهی و کارآزمودگی مربیان این قبیل مراکز، صدمات مزبور را دوچندان می‌کند. از این رو، با دادن آگاهی لازم به مادران مبنی بر اهمیت دوران شیرخوارگی و کودکی، باید انگیزه و زمینه‌های کافی و حمایت‌های مناسب را فراهم آورد تا آنان بتوانند با آرامش در این دوران حساس در کنار فرزندان خود باشند و به مراقبت و پرورش آنان بپردازند و در عین حال، امنیت شغلی آنان نیز حفظ گردد.

توجه به رشدی که پیدا می‌کند، روحیه اطاعت‌پذیری‌اش بیشتر می‌شود. به همین دلیل، در این دوره بهترین فرصت، هم برای تعلیم (آموزش)، و هم تأدیب (آموزش مستقیم ارزش‌ها و پرهیز دادن از ضدازش‌ها) فراهم می‌آید؛ زیرا کودک در این دوره، نه حالت بازیگوشی دوره اول را دارد و نه مشکلات دوره سوم را که دوره بلوغ و نوجوانی است. (۵۹)

ابعاد تربیت دینی

۱. آموزش نماز و دعا: در بیان سیره عملی رسول خدا ﷺ نقل شده است که هرگاه به ایشان و خانواده‌اش، تنگدستی و سختی می‌رسید، می‌فرمود: برخیزید و نماز بخوانید که آفریدگار مرا به این کار امر فرموده است. (۶۰) امر خداوند که رسول ﷺ در پایان این سخن، بدان اشاره کرده، آیه ۱۳۲ از سوره «طه» است؛ زیرا خداوند در این آیه خطاب به پیامبر و همه پدران و سرپرستان خانواده فرموده است: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش.» از این آیه به خوبی برمی‌آید که نماز خوان کردن اهل خانواده (بخصوص کودکان) و تربیت دینی آنان کاری دشوار است و نیاز به صبر و بردباری دارد. درباره آغاز آموزش نماز به کودکان نیز، به طور خاص روایاتی نقل شده است. پیامبر ﷺ در این زمینه فرموده است: «کودکان خود را در هفت سالگی به نماز خواندن امر کنید و به آنان نماز را یاد دهید و در ده سالگی برای نخواندن نماز، آنان را تنبیه کنید و در این سن بسترهایشان را از هم جدا کنید.» (۶۱) علی‌رغم آنکه سن وجوب نماز برای کودکان، هفت سال نیست، اما در این روایت آغاز نماز خواندن کودک را هفت سالگی معرفی کرده است. «امر به نماز خواندن» که در این روایت آمده، دلیل بر وجوب نماز نیست، بلکه فلسفه آن آشنایی کودک با مراسم دینی و

است که فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند و در هفت سال دوم به تربیت و ادب‌کردن او اقدام کن. (۵۵) این روایت به روشنی، با ویژگی‌های مراحل رشد، که در روان‌شناسی بدان اشاره شده است، تطبیق دارد. روان‌شناسان آزادی و بازی را از ویژگی‌های مهم این دوره معرفی می‌کنند و معتقدند در این دوره هر قدر به کودک در فعالیت‌ها و تلاش‌های کنجکاوانه آزادی بیشتری داده شود، به قوه ابتکار و خلاقیت او افزوده می‌شود. (۵۶)

مفهوم آزادی در این دوره آن است که نباید کودک را زیر فشار قرار دهند و کاری را به او محول کنند که در وسع و توان او نباشد. نیز نباید مقهور و مورد خشم و غضب والدین و اطرافیان قرار گیرد. البته این سخن به این معنا نیست که کودک کاملاً رها باشد و به هر کاری دست بزند و غیرمستقیم تحت کنترل نباشد. (۵۷)

رسول خدا ﷺ در کلام دیگری به تأیید این اصل پرداخته و فرموده است: خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر انجام کار نیک یاری دهد. سؤال شد که والدین چگونه این کار را انجام دهند؟ حضرت فرمود: آنچه را در حد توانایی‌اش انجام می‌دهد، بپذیرند (بیش از توانمندی وی از او انتظار نداشته باشند) و از آنچه برای کودک دشوار است، صرف‌نظر کنند. (۵۸)

۵. هفت سال دوم زندگی

پیامبر ﷺ این دوره را، دوره خدمتگزاری و تسلیم بودن کودکان معرفی کرده است. اطاعت، فرمان‌برداری، حرف‌شنوی و تعلیم و تأدیب کودک از ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود. کودک در این دوره، مطیع پدر و مادر می‌شود و خود را بیشتر در اختیار آنان قرار می‌دهد، در حالی که دوره قبل را با بازی و بازیگوشی، سپری می‌کرد و محور خانه به شمار می‌رفت. او در این دوره با

شاید فلسفه سخت‌گیری والدین نسبت به نماز خواندن کودکان در ده سالگی به دلیل وجود همین روحیه در کودک است؛ زیرا او در ده سالگی به مرحله‌ای از رشد رسیده است که می‌تواند مسئولیت‌های دینی را بپذیرد و باید در قبال ترک آنها، به والدین پاسخگو باشد.

علاوه بر نماز، آموزش برخی از مظاهر و نمادهای دینی همچون ذکر و دعا و مقدمات نماز، مانند طهارت و وضو به کودکان نیز در تعالیم نبوی، به چشم می‌خورد. (۶۴) در سیره عملی آن حضرت نشانه‌هایی از توجه به تربیت دینی کودکان به چشم می‌خورد. درباره زندگی حضرت زهرا علیها السلام و تربیت دینی او در خانه پدر، روایات زیادی نقل شده است. پرورش فاطمه علیها السلام و آموزش‌های دینی و مذهبی او در کنار پدر و زیر نظر وی انجام می‌شد. زهرا علیها السلام در خانه پدر، عبادت کردن را می‌دید و برپایی آیین‌های مذهبی و دینی، در وجود او تأثیری شگرف می‌گذاشت. حساسیت و توجه رسول خدا صلی الله علیه و آله به تربیت دینی و آموزش‌های مذهبی نیز در امر سازندگی شخصیت او مؤثر بود. (۶۵)

آن حضرت حتی نسبت به تربیت دینی نواده‌های خود نیز توجه بسیار مبذول می‌داشت. نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشغول نماز بود و حسین علیه السلام در کنارش. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر می‌گفت، حسین علیه السلام نمی‌توانست تکبیر بگوید. آن حضرت همچنان تکبیر را اعاده می‌کرد و به حسین علیه السلام تعلیم می‌داد تا اینکه تکرار این کلام مبارک، به هفت بار رسید و حسین علیه السلام در مرتبه هفتم توانست تکبیر را به زبان آورد. (۶۶) مضمون این روایت نشان می‌دهد که حسین علیه السلام در این شرایط طفل کم سنی بوده و احتمالاً به خوبی توانایی سخن گفتن نداشته است. به همین دلیل، ادای عبارت «الله اکبر» برای او دشوار بوده و نیاز به تکرار داشته است. ولی با این حال، رسول

عادت کردن او به این امور است تا هنگام رسیدن به سن تکلیف و وجوب نماز، ادای این مراسم برای او آسان‌تر باشد. بر اساس این روایت، تشویق والدین به عبادت کردن کودک از سن هفت سالگی، ایجاد آمادگی جسمی و روحی و بالا رفتن تحمل تدریجی او برای انجام مراسم و تعالیم مذهبی - همچون نماز و روزه - است.

علاوه بر آن، بر اساس دیدگاه‌های روان‌شناسی و تربیتی، کودک از آغاز هفت و بخصوص ده سالگی، احساس می‌کند خواستار سعادت بی‌نهایت است و برای کسب معنویت به خدا روی می‌آورد. از حدود هشت سالگی به بعد، شوقی در کودک پدید می‌آید که برای تکامل روانی خود تلاش می‌کند و متوجه ایجاد روابط استوار با خدا می‌شود و این تلاش، در سنین دوازده سالگی به شکل عالی متجلی می‌گردد و عشق نیرومندی را در رابطه با خدا پیدا می‌کند، تا آنجا که می‌تواند عباداتی را انجام دهد. از حدود سن هشت سالگی به بعد، شوق مذهبی کودک بیشتر، و نسبت به مسائل مذهبی علاقه‌مندتر می‌شود. (۶۲)

بر اساس روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه علیهم السلام، این دوره، دوره «تأدیب و تربیت» نام‌گذاری شده است. دو خصوصیت روانی کودک، یعنی «تربیت‌پذیری» و «تعلیم‌پذیری»، گویای آن است که کودک آمادگی دارد تا به طور مستقیم، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها به وی آموزش داده شود و این مفاهیم برای او به تدریج تبیین گردد. آموزش مستقیم این مفاهیم در دوره قبل چندان کارساز نیست و کودک باید بیشتر به صورت غیرمستقیم و تقلیدی تحت این آموزش‌ها قرار گیرد؛ ولی در این دوره با افزایش رشد سنی، کودک به این مرحله از شناخت رسیده است که بتوان مفاهیم اخلاقی و تربیتی را به صورت مستقیم به او آموزش داد. (۶۳)

خدا ﷺ به آموزش دینی او پرداخته است.

همچنین بر اساس برخی روایات، حسنین علیهما السلام در هنگام نماز خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار او می‌ایستادند و در انجام اعمال نماز به پدر بزرگ خود تأسی می‌جستند. آن حضرت نیز پس از نماز، آنان را نوازش می‌کرد و بر پای خود می‌نشاند و به نوعی مشوق آنان در ادای نماز بود. (۶۷) در روایات نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای حسنین علیهما السلام دعا و تعویذ می‌خواند و برای سلامتی‌شان، معوذتین (سوره‌های ناس و فلق) را قرائت می‌کرد. (۶۸) این عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله علاوه بر آنکه موجب محافظت کودکان می‌شد، از جنبه تربیتی نیز بر آنان اثرگذار بود؛ چون آنان به طور غیرمستقیم اهمیت دعا و تلاوت قرآن را درمی‌یافتند.

۲. آموزش قرآن: یکی دیگر از جنبه‌های تربیت دینی کودک، آموزش قرآن در ابعاد مختلف قرائت، روخوانی و مفاهیم آن است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان وظایف والدین، این نکته مهم را نیز از نظر دور نداشته است.

در سخنی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «فرزندان خود را بر پایه سه ویژگی تربیت کنید: محبت ورزیدن به پیامبر و اهل بیت او و قرائت قرآن». (۶۹) آن حضرت همچنین در روایت دیگری، برای والدینی که به فرزند خود قرآن آموزش دهند، ثواب و پاداش اخروی بیان کرده است. (۷۰)

در این روایات، علاقه‌مند کردن فرزندان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در ردیف انس با قرآن ذکر شده است که هر دو از وظایف والدین است. بی‌شک، راه‌هایی همچون بیان ویژگی‌ها و فضایل اهل بیت علیهم السلام، و شرکت دادن فرزندان از دوران کودکی در مراسم دینی، عزاداری و جلسات قرآن، از راه‌های مؤثر در تحقق این توصیه رسول خداست، البته مشروط به اینکه این امر به افراط و

زیاده‌روی نرسد و دوران کودکی، بخصوص شش سال اول، که مرحله بازی و آزادی اوست، یک‌سر به حضور در جلسات حفظ و قرائت قرآن محدود نگردد و برنامه‌های فشرده و سنگین حفظ و آموزش قرآن - که امروزه در مراکز آموزش رسمی و غیررسمی رایج شده است - به کودک تحمیل نگردد؛ زیرا این امر، به جای آنکه در تربیت دینی و رشد علایق مذهبی کودک مؤثر باشد، آثار و پیامدهای منفی، از جمله: دوری و جدایی کودک از بازی و آزادی، کاهش اشتیاق روانی کودک نسبت به آموزش‌های مذهبی و قرآنی، و کاهش انگیزه و میل او نسبت به انس و یادگیری قرآن و مفاهیم دینی پس از دوران بلوغ را به دنبال دارد. علاوه بر آن، غالب برنامه‌های آموزشی امروزه مبتنی بر حفظ و قرائت و ظواهر قرآن است که اصولاً با هدف نزول قرآن و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام و اصحاب آنان که فراگیری معانی و مفاهیم قرآن است، سازگار نمی‌باشد.

۶. هفت سال سوم

این دوره در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله دوره مشورت، همراهی و همراهی بین والدین و فرزند است. به فرزند در این دوره، عنوان «وزیر» داده شده است.

وزیر در لغت از ریشه «وَزَرَ» مشتق شده است که به معنای پناهگاه و یا کوهی است که بدان پناه می‌برند تا از هلاکت نجات یابند. بنابراین، وزیر خلیفه کسی است که به رأی و نظر او در کارها، تکیه شود و یا به او پناه برده شود. و وزیر پادشاه کسی است که «وَزَرَ» و سنگینی و دشواری تدبیر امور مملکت را از دوش پادشاه برمی‌دارد. (۷۱)

بنابراین، اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزند را در هفت سال سوم زندگی، یعنی از چهارده تا بیست و یک سالگی،

مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌داد و آنها را از ساده‌ترین مظاهر تا بدترین و بزرگ‌ترینشان به شدت رد می‌کرد و بعکس، مظاهر عطف و نیکویی را حتی در ساده‌ترین و کوچک‌ترین اشکالشان، همچون بوسیدن کودک، می‌ستود و با کسانی که اهل اظهار محبت و بوسیدن کودک نبودند، به شدت برخورد می‌کرد.

از آن پیام‌آور رحمت، نقل شده است که فرمود: «کسی که فرزندش را ببوسد، خداوند برای او پاداش نیکو می‌نویسد و هر که او را شاد کند، خداوند در روز قیامت شادمانش خواهد کرد.» (۷۵)

در روایت دیگری آمده است: روزی رسول خدا ﷺ حسین علیه السلام را می‌بوسید. عینه و به قولی اقرع بن حابس وقتی این صحنه را مشاهده کرد، گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ‌یک از آنان را نبوسیده‌ام. رسول رحمت به قدری از شنیدن این سخن خشمگین شد که رنگ چهره‌اش دگرگون گردید و به آن مرد فرمود: کسی که رحم نکند، مورد ترحم قرار نمی‌گیرد. اگر خدا ترحم را از قلب تو گرفته است، پس من با تو چه کنم؟! کسی که به کودکان ما رحم نکند و به بزرگان ما احترام و عزت نگذارد از ما نخواهد بود. (۷۶)

در رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حسین علیه السلام نمودهای بارزی از محبت و مهرورزی به آنان مشاهده می‌شود. اصحاب و یاران رسول خدا ﷺ در موارد متعددی بازی کردن پیامبر با کودکان، به ویژه حسین علیه السلام، مزاح کردن و بوسیدن آنان را نقل کرده‌اند. (۷۷)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی‌رغم توصیه‌های فراوان به محبت و مهرورزی و بوسیدن کودک، در این زمینه از مسائل تربیتی غافل نبودند و در تعالیم خود، جانب احتیاط و اعتدال را رعایت می‌کردند. به همین دلیل، آن حضرت در بوسیدن کودکان محدودیت‌هایی را به لحاظ سنی قایل شده و

وزیر نسبت داده است، از این‌روست که باید در تدبیر کارها و امور، مورد تکیه و مشورت قرار گیرد. او در این سنین به مرحله‌ای از رشد رسیده است که می‌تواند بخشی از دشواری‌ها و سنگینی‌های اداره امور مربوط به خانواده را از دوش والدین و حتی دیگران بردارد. بنابراین، نوع نگرش والدین و اطرافیان نسبت به نوجوانان و تأیید او در این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا ویژگی این دوره، «احساس هویت در برابر گم‌گشتگی نقش» است و نوجوانان در حال رشد و پیشرفت که به زودی با وظایف ملموس مربوط به بزرگ‌سالان روبه‌رو خواهند شد، نگران این هستند که در مقایسه با احساسی که از خود دارند، در چشم دیگران چگونه به نظر می‌رسند. (۷۲)

اصول تربیت دینی کودکان

۱. محبت

اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اخلاق قرآنی و مظهر ملامت و رحمت و الگوی شفقت و مهرورزی بود و دامنه محبت او، بزرگ و کوچک را فرا می‌گرفت. کودکان در نزد او جایگاه خاصی داشتند و آن حضرت در موقعیت‌های مختلف، از جمله در خانه، کوچه، مسجد، بازار، میدان جنگ و...، با کودکان مهربانی می‌کرد و اطرافیان را نیز به این امر تشویق می‌فرمود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایتی در بیان اهمیت محبت به کودکان با این عبارت نقل شده است: از ما نیست کسی که بزرگ ما را احترام نکند و به کوچک ما رحم نوردد. (۷۳) همچنین در مقامی از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «خداوند به خاطر محبت انسان به فرزندش به او رحمت می‌کند.» (۷۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در راه تثبیت محبت و الفت میان مردم، همواره تلاش می‌کرد و مظاهر قساوت و سختدلی را

فرموده است: «چون دختر به سن شش سالگی رسید، دیگر او را نبوسید و پسر هم، چون به سن هفت سالگی رسید، مادرش او را نبوسد.» (۷۸)

نوازش‌های پدران رسول خدا ﷺ و مهرورزی‌های بی‌شمار او به حسنین علیهما السلام که نمادی از شخصیت والا و مهربان پیامبر است، محدود در خانه و کوچه و موقعیت‌های خاص نبود. آن حضرت حتی در حین نماز و در مسجد و منبر، به کودکان خود توجه داشت. برای نمونه، شواهدی ذکر می‌شود: گفته‌اند که وقتی پیامبر، مشغول نماز می‌شد و به سجده می‌رفت، حسین علیهما السلام بر پشت حضرت سوار می‌شد، پاهای خود را حرکت می‌داد و می‌گفت: «حَلِّ حَلِّ». وقتی اطرافیان می‌خواستند کودک را بردارند، رسول خدا ﷺ با اشاره به آنان می‌فهماند که کودک را رها کنند، و تا پایان نماز، کودک را در کنار خود جای می‌داد. این عمل همچنان انجام می‌شد تا آنکه پیامبر از نماز فراغت حاصل می‌کرد. در یکی از این موارد، پس از نماز، فرد یهودی‌ای که شاهد این صحنه بود، نزد رسول خدا ﷺ آمد و به او گفت: یا محمد! شما با کودکان خود، عملی انجام می‌دهید که ما نمی‌کنیم. پیامبر فرمود: «اگر به خدا و رسول او ایمان آورده باشید، باید به کودکان ترحم کنید.» مرد یهودی وقتی چنین شنید و عظمت و کرامت رسول خدا ﷺ را دید، تسلیم شد و گفت: من به خدا و رسول او ایمان می‌آورم. (۷۹)

در روایت دیگری، توجه و محبت پیامبر ﷺ به حسنین علیهما السلام، پس از ادای فریضه نماز و نشستن یکی از آن دو بر روی زانوی راست پیامبر و دیگری بر زانوی چپ وی گزارش شده است. (۸۰) بر اساس این روایت، حسنین علیهما السلام با وجود سن کم، در هنگام ادای نماز در کنار پیامبر قرار می‌گرفتند و اعمال و ارکان نماز را به تاسی از پدر بزرگ خود، انجام می‌دادند. به طور قطع، رسول

خدا ﷺ که اصولاً با هدف تعلیم و تربیت فرزندان خود، به آنان این همه محبت می‌کرد، در امر نماز خواندن حسنین علیهما السلام مشوق آنان بود. نوازش‌ها و محبت‌های رسول خدا به آن دو کودک پس از نماز، به طور غیرمستقیم، تقویت‌کننده عمل حسنین علیهما السلام بوده است. یکی از مصادیق دیگر توجه و محبت به کودک در سیره عملی رسول خدا ﷺ، بازی و شوخی با کودک است. از دیرباز روان‌شناسان کودک، به اهمیت بازی و پیامدهای مثبت آن توجه کرده و بدان پرداخته‌اند. از آن حضرت در تأیید بازی و تأثیر آن بر دوران بزرگسالی چنین نقل شده است: «تندخویی و میل بسیار به بازی در کودکی، نشانه متانت و پختگی و زیادی عقل کودک در بزرگی است.» (۸۱) شاید بتوان این سخن رسول اکرم ﷺ را از دیدگاه روان‌شناسی، به گونه‌ای با این نظریه منطبق دانست که بازی و شیطنت در دوران کودکی موجب تخلیه انرژی‌های زاید جسمی و روحی می‌شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگسالی تأثیرگذار است. (۸۲)

در سیره عملی پیامبر ﷺ شواهدی از بازی و شوخی آن حضرت با کودکان به چشم می‌خورد. برای نمونه، ذکر شده است: وقتی رسول خدا ﷺ از سفر بازمی‌گشت، در کوچه با کودکان برخورد می‌کرد و به احترام آنان می‌ایستاد، سپس امر می‌کرد کودکان را به نزدش بیاورند. رسول خدا ﷺ برخی از آنان را در آغوش می‌گرفت و برخی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و به اصحاب خویش می‌فرمود: کودکان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید. (۸۳) از دیگر شواهد بازی‌ها و شوخی‌های آن حضرت با حسنین علیهما السلام است. در روایات دیگری نیز این‌گونه بازی‌ها و تماس‌های بدنی پیامبر با حسنین نقل شده است. گاه رسول خدا ﷺ حسن علیهما السلام را روی شانه راست و حسین علیهما السلام را روی شانه چپ خود قرار می‌داد و

واقع شده است. تصور غالب عمومی چنین است که وظیفه تربیت فرزند، تنها به عهده مادر است و پدر نان آور خانواده به شمار می‌رود. گرچه اسلام و همچنین دیدگاه‌های روان‌شناسی، نقش مادر را در رشد و تربیت کودک، نقش اساسی و مهم می‌داند و وظیفه اصلی او را تربیت فرزندان و رسیدگی به امور خانواده معرفی می‌کند، اما این امر هرگز به معنای آن نیست که پدران در امر رشد و تربیت کودکان، مادران را تنها و بدون حمایت گذارند و تمام وقت و انرژی خود را صرف کار در بیرون از خانه و تأمین هزینه‌های مالی خانواده بنمایند.

تحقیقات اخیر نشان داده است که در ابتدای کودکی، فرزندان تنها به مادر دلبستگی پیدا نمی‌کنند، بلکه در این دوره، پدران نقش فعال‌تری به عهده دارند و فقدان پدر، در نقصان مهارت‌های شناختی در هر دو جنس بی‌تأثیر نخواهد بود.^(۸۸) البته این فقدان تنها به معنای فقدان فیزیکی نیست، بلکه گاه پدر حضور دارد، ولی به دلیل عدم آگاهی، نگرش غلط، مشکلات شخصیتی و روحی و درگیری‌های شغلی و اقتصادی، توجه و محبت کافی به فرزندان ندارد. در این حالت نیز فرزندان به همان اندازه آسیب می‌بینند که غیبت پدر، بر روی آنان تأثیر منفی می‌گذارد. علاوه بر آن، وقتی زن از حمایت‌های همسر، در امر مراقبت و تربیت کودکان محروم شود، نمی‌تواند نقش مادری خود را به خوبی ایفا کند و در نتیجه، کودکان از این جنبه نیز آسیب می‌بینند. اقتدار پدر، بخصوص در زمینه تعلیم و تربیت کودکان، نقش فوق‌العاده‌ای دارد و پدران با تلفیق مهر و اقتدار می‌توانند به بهترین شیوه خانواده را سرپرستی کنند و به تعلیم و تربیت دینی فرزندان پردازند.

۲. تکریم

درباره تکریم کودک نیز توصیه‌هایی در روایات به چشم

راهی خانه می‌شد^(۸۴) و گاه می‌شد که حسنین علیهما السلام را که در ابتدای راه افتادن بودند، برای شوخی و مزاح و سرگرمی بر روی پا می‌جهاند و برایشان شعر می‌خواند. آن‌گاه آنان پاهای کوچک و ضعیفشان را بر بدن رسول الله قرار می‌دادند و بالا می‌رفتند تا جایی که پایشان را روی سینه مبارک حضرت می‌گذاشتند.^(۸۵)

از این روایات اهمیت نقش پدر و حتی پدر بزرگ در بازی با کودکان به دست می‌آید. همچنین این ماجراها، کیفیت ویژگی‌های بازی‌های پدران رسول اکرم صلی الله علیه و آله با نوه‌های خود را که معمولاً هیجان‌آور، جذاب، پرتحرک و جسمانی بود، نشان می‌دهد. در مباحث روان‌شناسی رشد نیز به ویژگی بازی‌های پدران و تأثیر آن در رشد کودک اشاره شده است.^(۸۶)

از تعالیم و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله با کودکان، همچنین برمی‌آید که پدر علاوه بر مسئولیت تأمین مالی خانواده و در عین حفظ اقتدار پدران، باید با کودک خود، بخصوص در شش سال اول زندگی، بازی و با او کودکانه رفتار کند و زمانی را برای ارتباط جسمی و روحی با کودک اختصاص دهد. در این باره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«هر کس کودکی دارد، باید با او کودکانه رفتار کند.»^(۸۷)
خوش‌رویی و مهرورزی و نوازش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهما السلام پس از فریضه نماز، نشان از تأثیر ارتباط عاطفی در پذیرش آیین‌های دینی و مذهبی به وسیله کودکان دارد. علاوه بر آن، از چگونگی تعامل رسول خدا با فرزندان و نوادگان خود، نقش پدر در تربیت دینی فرزندان آشکار می‌گردد و نشان می‌دهد تأثیر حضور کمی و کیفی پدر در خانه و تلاش او در تربیت و پرورش کودک، اصل مهمی در قوام خانواده، حمایت از مادر و رشد و بالندگی فرزندان به شمار می‌رود؛ اصلی که امروزه متأسفانه به دلیل مشکلات فرهنگی و اقتصادی مغفول

زمینهٔ تعلیم و تربیت دینی آنان نیز فراهم آید. اگر تربیت دینی کودکان همراه با محبت و ایجاد دلبستگی با کودک باشد او را نسبت به توصیه‌های دینی والدین تسلیم‌پذیرتر می‌کند و الگوپذیری از آنان را نیز بیشتر می‌نماید. علاوه بر آن، کودکی که از نظر عاطفی و روانی سالم و رشدیافته باشد نسبت به دستورات دینی که مطابق با فطرت آدمی است، انعطاف‌پذیرتر می‌شود.

از این رو، پیامبر ﷺ در سخنان خود، به والدین توصیه کرده است با مهرآمیز کردن روابط خود، کانون خانواده را مرکز محبت و صمیمیت و پناهگاه امن فرزندان قرار دهند تا زمینهٔ تربیت دینی و پرورش آنان فراهم شود؛ زیرا هر قدر پدر و مادر به کودک خود محبت کنند، وابستگی بین آن دو بیشتر می‌شود و به همان میزان سطح اطاعت و پیروی کودک از والدین افزایش می‌یابد. توصیه‌های رسول خدا ﷺ مبنی بر انتخاب همسر هم‌کفو و شایسته، محبت و نیکی به همسر، همراهی و همدلی و رفتار شایسته با او، همگی در راه تشکیل چنین خانواده‌ای است. در چنین خانواده‌ای، پدر و مادر در سایهٔ روابط عاطفی و سالم بین خود، و در محیطی دور از اختلاف و درگیری می‌توانند به اندازهٔ کافی به فرزندان محبت کنند و انگیزه و انرژی لازم برای تربیت فرزندان دارند و از راه مهرورزی و ورود به قلب‌های آنان، به تعلیم و تربیتشان می‌پردازند. بنابراین، با توجه به اهمیت دوران کودکی و ضرورت محبت به کودکان، باید نسبت به موانع و عوامل بازدارندهٔ محبت و تربیت آنان، حساس بود و حتی‌الامکان این موانع را از میان برداشت. اختلافات و درگیری‌های خانوادگی، مشغولیت بیش از حد پدر و بخصوص مادر در خارج از خانه، فقر و مشکلات اقتصادی، عدم آگاهی والدین و مشکلات روحی، روانی و شخصیتی آنان و... از جملهٔ این موانع به شمار می‌رود.

می‌خورد. «اکرام به معنای آن است که کسی را بزرگ و شریف شماری و گرامی‌اش داری و به او نفعی خالص برسانی.» (۸۹)

اکرام آدمی از نگاه پیامبر ﷺ از دوران کودکی آغاز می‌شود و شعاع آن از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مصادیق تا کوچک‌ترین موارد را شامل می‌شود. دستورات و تعالیم رسول خدا ﷺ مبنی بر نام نیک نهادن بر نوزاد، عقیقه و دیگر آداب تولد، سلام کردن به کودک و... از جملهٔ موارد تکریم کودکان است.

یکی از راه‌های رسیدن به کرامت آن است که انسان، کرامت را در اطرافیان خود ببیند و لمس کند. برای اینکه انسان کریم شود و شریف‌النفس بار آید، باید کرامت ببیند و مورد تکریم و احترام قرار گیرد. و این امر از دوران کودکی اهمیت دارد. (۹۰) پیامبر ﷺ در سخنانی فرموده است: همان‌گونه که فرزند نباید نسبت به والدین خود بی‌احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی‌احترامی کنند. (۹۱) همچنین آن حضرت در سخنی فرموده است: فرزندان خود را تکریم کنید و گرامی دارید و با آنان با آداب نیکو معاشرت کنید. (۹۲) بی‌شک، گرامی داشتن و اکرام کودک در ایجاد دلبستگی بین او و اطرافیان تأثیرگذار است و زمینهٔ پذیرش آموزه‌های اخلاقی و تربیت دینی را فراهم می‌سازد.

با توجه به دیدگاه‌های روان‌شناسی دربارهٔ اهمیت محبت و تکریم کودکان، روشن می‌شود که پیامبر ﷺ در مقام مربی و معلم برتر انسان‌ها، که در سایهٔ اتصال با منبع وحی، از فطرت و سرشت انسان‌ها آگاه است، چرا تا این حد بر محبت و توجه به کودک، تأکید ورزیده است. پیامبر ﷺ به تمام کودکان به طور عام و فرزندان خود به طور خاص محبت و توجه می‌کرد و به تکریم و احترام آنان می‌پرداخت تا به رشد روانی و عاطفی کامل برسند و

۳. عدالت

از موارد مهمی که در محبت به کودک، حتی در پایین ترین مظاهر آن، باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت برابری و تساوی در برخورد با کودکان هم جنس و غیر هم جنس است. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود، حتی در بوسیدن آنان یکسان عمل کنید. (۹۳) همچنین در مقامی دیگر، آن حضرت فرمود: از خدای بترسید و میان فرزندان به عدالت رفتار کنید، همچنان که شما نیز دوست دارید آنان به شما نیکی و احسان کنند. (۹۴)

امر به تقوای الهی در آغاز سخن، در کنار فرمان به عدالت، نشان از اهمیت فراوان رفتار با کودکان دارد. در این روایت، یک اصل مهم اخلاقی و تربیتی معرفی شده است که تنها افراد متقی و خداترس آن را اجرا می کنند. علاوه بر آن، در جمله پایانی روایت به روابط عاطفی متقابل پدر و مادر و فرزندان اشاره شده است و از آن چنین برداشت می شود که رفتار والدین با کودک، در برخوردهای بعدی او با والدین تأثیرگذار است؛ یعنی رعایت عدالت بین کودکان، موجب رضایت قلبی کودکان و مهرورزی و احسان آنان به پدر و مادر می شود. براساس سخن دیگری از رسول اکرم ﷺ رعایت عدالت و مساوات در رفتار با کودک، به عنوان یکی از حقوق مسلم فرزند بر پدر و مادر، معرفی شده است. (۹۵)

از جمله مصادیق رعایت عدالت در محبت به کودکان که مورد توجه رسول خدا ﷺ بوده، رعایت عدالت در بوسیدن و رعایت تساوی در بخشش هدیه و تحفه و محبت و آموزش به دختران و پسران است. تمام خطاب های پیامبر ﷺ مبنی بر محبت، تکریم، تربیت دینی و تعلیم فرزندان از دوران نوزادی تا کودکی و نوجوانی، کلی و عام است و پسران و دختران، هر دو را

شامل می شود. جملاتی نظیر: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ»، «اکرموا أَوْلَادَكُمْ و احسنوا آدابهم»، «ادَّبوا أَوْلَادَكُمْ» (۹۶) و...، همگی بیانگر این مدعا است.

۴. اعتدال و پرهیز از افراط و اجبار

انگیزه و گرایش درونی انسان در تربیت دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطالعه احادیث و سیره عملی رسول خدا ﷺ و دیگر پیشوایان دینی نشان می دهد که تمام تلاش این بزرگواران در درونی کردن ارزش ها و مفاهیم دینی بوده است؛ باید با کودکان به گونه ای رفتار شود که با افزایش خود آگاهی، از درون گرایش به ارزش های دینی پیدا کنند و با جان و دل آموزه های دینی و اخلاقی را بپذیرند. از این رو، تربیت دینی امری پیوسته و مداوم است که باید بدون هرگونه اکراه و اجبار و یا زیاده روی و سخت گیری بی مورد انجام پذیرد تا همیشگی و پایدار باشد.

۵. قاطعیت و جدیت

تأکید و توصیه پیامبر ﷺ مبنی بر محبت به کودکان، هرگز مانعی در راه تربیت صحیح آنان به شمار نمی رفت، بلکه آن حضرت همان قدر که به آنان عشق می ورزید و به تکریم آنان می پرداخت، به تربیت و پرورش آنان نیز اهمیت می داد و در این راه قاطعیت و جدیت داشت. مواردی همچون جدیت در آموزش نماز، دعا و خواندن ذکر و قرآن به فرزندان خود، حتی به کودکان زیر هفت سال و توجه به پرورش و تعلیم آنان، نمونه هایی از این مدعا است. در ماجرای، حساسیت پیامبر ﷺ نسبت به تربیت دینی خانواده زهرا (علیها السلام) و فرزندان او به چشم می خورد. نقل شده است: رسول خدا ﷺ روزی پس از بازگشت از سفر، به منزل زهرا (علیها السلام) رفت و دید که حسنین (علیهما السلام) جلوی

قرار گرفته است. از این رو، آگاهی والدین و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت از مراحل رشد، ویژگی‌ها، انتظارات و نیازهای کودک در هر دوره، در دست‌یابی به اهداف تربیت تأثیرگذار است. همچنین اصول تربیت دینی که مورد توجه رسول خدا ﷺ بوده است باید در امر تربیت دینی در نظر گرفته شود. اصل «محبت و تکریم» به عنوان زمینه‌ای برای برقراری ارتباط با کودکان، آنان را در مقابل آموزه‌های اخلاقی و دینی تسلیم‌پذیرتر می‌کند و از اصول مهم در تربیت به شمار می‌رود. نمادها و مظاهر محبت و اکرام از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین مصادیق آن، در سیره عملی رسول خدا ﷺ جایگاه ویژه‌ای دارد، همچنان‌که اصل «قاطعیت و استواری» در کنار محبت هرگز مغفول واقع نشده است. اصل «عدالت»، «اعتدال» و «پرهیز از افراط و اجبار» از دیگر اصول تربیت دینی در سیره رسول خدا به شمار می‌رود. تمام تلاش پیامبر و دیگر پیشوایان دینی در راستای درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم دینی برای انسان بوده است، به گونه‌ای که آنان خود با کسب آگاهی و انگیزه و رغبت درونی، از کودکی به آموزه‌های دینی‌گرایش پیدا کنند و به دور از فشار و اکراه، پذیرای آن باشند. توجه به اصل اخیر برای نهادها و مراکز دست‌اندرکار تعلیم و تربیت حایز اهمیت است.

همچنین از مجموع اقوال و افعال پیامبر ﷺ دربارهٔ کودک، می‌توان به نقش مهم و بی‌بدیل پدر در تربیت دینی فرزندان نیز پی برد. محبت‌ها و مهرورزی‌های پیامبر نسبت به فرزندان و نوادگان خود، و حساسیت و وقت‌گذاری برای تعلیم و تربیت آنان، نشان می‌دهد تأثیر حضور کمی و به ویژه کیفی پدر در خانه و تلاش او در تربیت و پرورش کودک اصل مهمی در قوام خانواده، حمایت از مادر و رشد و بالندگی فرزندان به شمار می‌رود؛ اصلی که امروزه متأسفانه به دلیل مشکلات فرهنگی و اقتصادی مغفول واقع شده است.

خانه ایستاده‌اند و دو دست‌بند نقره بر دست دارند. پیامبر علی‌رغم عشق و علاقه و دلبستگی زیاد به آن دو کودک و مادرشان زهرا علیها السلام، به درون خانه نرفت و از همان‌جا بازگشت. فاطمه علیها السلام که ویژگی‌های شخصیتی پدر را بیش از همه می‌شناخت، چون این حالت را مشاهده کرد، دریافت که پدر به دلیل آن دو دست‌بند نقره، ناراحت شده و به خانه نیامده است. از این رو، آن دو دست‌بند را از حسنین علیهما السلام گرفت و شکست. کودکان، گریه‌کنان نزد رسول خدا شتافتند و از رفتار مادر شکوه کردند. پیامبر ﷺ دست‌بند نقره را از آنان گرفت و به ثوبان فرمود: برو و این را به بنی فلان بده؛ من دوست ندارم، اهل بیت من در طول زندگی خود، از این‌گونه زیورهای اهل دنیا داشته باشند. (۹۷)

اهمیت این موضوع تا بدان حد بود که آن حضرت نسبت به پاک بودن غذای نوه‌های خود نیز حساس بود و آنان را از همان دوران کودکی و پیش از بلوغ از خوردن غذای شبه‌هناک بازمی‌داشت و از آثار چنین لقمه‌ای آگاه می‌کرد. (۹۸)

نتیجه‌گیری

مقید شدن تربیت به آموزه‌های دینی و مذهبی، رمز دست‌یابی به آرامش، سعادت و کمال مطلوب در هر دو سراسر است. اگر به فرایند تربیت، که امری پیوسته و همیشگی است، از دوران کودکی و حتی پیش از آن توجه شود، نتایج فردی و اجتماعی فراوانی به دست می‌آید. البته تأکید آموزه‌های دینی و روان‌شناسی بر دوران کودکی، به این معنا نیست که جریان رشد و تربیت انسان، تنها محدود به این دوره است، بلکه پرورش و تربیت انسان در سراسر عمر او تداوم دارد و امکان تحول و سازندگی نیز همواره وجود دارد. در میان مراحل رشد انسان، دوران جنینی، شیرخوارگی و هفت سال اول بیش از دیگر مراحل مورد توجه روان‌شناسان و پیشوایان دینی

- ۳۹- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۱۷.
- ۴۰- همان، ص ۴۲۳.
- ۴۱- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ص ۱۰۶.
- ۴۲- جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۴، ص ۶۵۶.
- ۴۳- ر.ک: محمدبن سعد واقدی، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۳۲۱ و ۳۲۹؛ حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۱۷-۴۲۹؛ محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۷، ص ۱۲۴-۱۲۹.
- ۴۴- جواد علی، همان، ج ۴، ص ۶۴۳.
- ۴۵- محمدعزه دروزه، *عصر النبی و بیئته قبل البعثة*، ص ۲۵۸.
- ۴۶- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۸۸.
- ۴۷- *نهج الفصاحه*، ج ۲، ص ۸۲۲.
- ۴۸- ر.ک: محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۸۸.
- ۴۹- محمدبن سعد واقدی، همان، ج ۱، ص ۱۳۳.
- ۵۰- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۷، ص ۱۶۵.
- ۵۱- میرزا حسین نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۳۸.
- ۵۲- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۴۲.
- ۵۳- حسن عمید، *فرهنگ عمید*، ذیل واژه «سید».
- ۵۴- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱۴، ص ۷۰۸۰.
- ۵۵- محمدبن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۶-۴۷.
- ۵۶- ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسی رشد*، ج ۲، ص ۷۸۱.
- ۵۷- سیدمهدی صانعی، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، ص ۳۲۲.
- ۵۸- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۹۹.
- ۵۹- سوسن سیف و دیگران، همان، ج ۱، ص ۱۳۱.
- ۶۰- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ص ۲۱۱.
- ۶۱- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۳۹.
- ۶۲- علی قائمی، همان، ص ۳۳ و ۵۵.
- ۶۳- سوسن سیف و دیگران، همان، ج ۱، ص ۲۶۴.
- ۶۴- به عنوان نمونه، ر.ک: حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۴۱؛ میرزا حسین نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۶۶.
- ۶۵- به عنوان نمونه، آموزش غیرمستقیم دعا در شرایط سخت زندگی: ر.ک: محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۲۹.
- ۶۶- همان، ص ۳۴۱.
- ۶۷- همان، ص ۳۰۵.
- ۶۸- همان، ص ۳۱۵.
- ۶۹- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۵۶.
- ۷۰- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱۰، ص ۴۸۱۴.
- ۷۱- ابن منظور، همان، ج ۱۵، ص ۲۸۵.
- ۷۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، همان، ج ۲، ص ۷۸۲.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- حسام‌الدین متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۶، ص ۴۵۷.
- ۲- محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۷، ص ۹۷.
- ۳- محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰، ص ۲۹۲.
- ۴- همان.
- ۵- سید علی اکبر قرشی، *قاموس قرآن*، ج ۳، ص ۱۴۴.
- ۶- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۵.
- ۷- میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۵، ص ۱۱۲-۱۱۳.
- ۸- ملّامحسن فیض کاشانی، *محجة البیضاء*، ج ۳، ص ۴۳۷.
- ۹- *نهج الفصاحه*، ج ۲، ص ۱۰۳۹.
- ۱۰- میرزا حسین نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۱۳.
- ۱۱- ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۳۳۲؛ ج ۲، ص ۱۷۲.
- ۱۲- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۸.
- ۱۳- ابن منظور، همان، ج ۵، ص ۱۲۶.
- ۱۴- علی قائمی، *پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان*، ص ۱۰۱.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- همان، ص ۴۲ و ۸۲.
- ۱۷- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۵۶.
- ۱۸- ابن شعبه حرّانی، *تحف العقول*، ترجمه احمد جنتی، ص ۲۹.
- ۱۹- محمد محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱، ص ۱۰۷.
- ۲۰- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۵۷.
- ۲۱- همان، ص ۴۶۱.
- ۲۲- میرزا حسین نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۶۴.
- ۲۳- همان، ص ۴۵۲.
- ۲۴- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، *آداب زندگی پیامبر (سنن النبی)*، ص ۲۰۷.
- ۲۵- ملّامحسن فیض کاشانی، همان، ج ۳، ص ۹۳.
- ۲۶- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۵۶.
- ۲۷- ابن شعبه حرّانی، همان، ص ۱۵.
- ۲۸- سوسن سیف و دیگران، *روان‌شناسی رشد (۱)*، ج ۱، ص ۱۷۲.
- ۲۹- ر.ک: فضل‌بن حسن طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، ج ۱، ص ۳۳۸ و ۳۷۹.
- ۳۰- سوسن سیف و دیگران، همان، ج ۱، ص ۱۷۹.
- ۳۱- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۲۶۴-۲۶۵.
- ۳۲- میرزا حسین نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۳۷.
- ۳۳- ابن شعبه حرّانی، همان، ص ۱۵.
- ۳۴- ملّامحسن فیض کاشانی، همان، ج ۳، ص ۴۳۸.
- ۳۵- همان، ج ۹، ص ۳۲۴.
- ۳۶- محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ترجمه محمدجواد نجفی، ج ۱۰، ص ۲۸۵.
- ۳۷- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ص ۲۰۲.
- ۳۸- همان، ص ۱۵۸.

- ۷۳- ملّامحسن فیض کاشانی، همان، ج ۳، ص ۳۶۵.
- ۷۴- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۰۱.
- ۷۵- همان، ج ۷، ص ۱۹۴.
- ۷۶- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۶.
- ۷۷- همان، ص ۳۲۰.
- ۷۸- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۱، ص ۴۴۰.
- ۷۹- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۹ و ۳۳۱.
- ۸۰- همان، ص ۳۰۵.
- ۸۱- **نهج الفصاحه**، ج ۲، ص ۶۰۲.
- ۸۲- ر.ک: سوسن سیف و دیگران، همان، ج ۱، ص ۲۲۹.
- ۸۳- ملّامحسن فیض کاشانی، همان، ج ۳، ص ۳۶۶.
- ۸۴- همان، ص ۲۹۶.
- ۸۵- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۶۰.
- ۸۶- ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، همان، ج ۲، ص ۸۱۶-۸۱۵.
- ۸۷- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۷، ص ۲۰۳.
- ۸۸- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، همان، ج ۲، ص ۸۵۷-۸۱۴.
- ۸۹- ابن منظور، **لسان العرب**، ج ۱۲، ص ۷۶.
- ۹۰- ر.ک: مصطفی دلشاد تهرانی، **سیری در تربیت اسلامی**، ص ۲۱۰-۲۱۲.
- ۹۱- محمد محمدی ری‌شهری، همان، ج ۱۴، ص ۷۱۰۹.
- ۹۲- حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۵۶.
- ۹۳- همان، ص ۴۴۵.
- ۹۴- **نهج الفصاحه**، ج ۲، ص ۱۰۳۶.
- ۹۵- ر.ک: حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۴۴۴.
- ۹۶- همان، ص ۴۴۱ و ۴۵۶.
- ۹۷- به نقل از: علی بن عیسی اربلی، **کشف الغمه فی معرفة الانمه**، ترجمه علی بن حسین زواره‌ای، ج ۲، ص ۶.
- ۹۸- ر.ک: محمدبن سعد واقدی، همان، ج ۱، ص ۳۹۲؛ علی بن عیسی اربلی، همان، ج ۲، ص ۱۹۷.
- **منابع**
- **نهج الفصاحه**، کلمات قصار رسول اکرم صلی الله علیه و آله، قم، انصاریان، ۱۳۷۹.
- ابن سعد واقدی، محمد، **طبقات**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ دوم، تهران، نو، ۱۳۶۹.
- ابن منظور، **لسان العرب**، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
- اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمه فی معرفة الانمه**، ترجمه علی بن حسین زواره‌ای، چ دوم، قم، ادب الحوزه، ۱۳۴۶.
- حرّانی، ابن شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول**، ترجمه احمد جنتی، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، **وسائل الشیعه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- دروزه، محمدعزه، **عصر النبوی و بیئته قبل البعثه**، چ دوم، بیروت، دار الیقظه العربیه، ۱۹۶۴م.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، **روان شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی**، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، **سیری در تربیت اسلامی**، چ چهارم، تهران، ذکر، ۱۳۷۵.
- سیف، سوسن و دیگران، **روان شناسی رشد (۱)**، چ چهاردهم، تهران، سمت، ۱۳۸۲.
- صانعی، سیدمهدی، **پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی**، بی جا، سناباد، ۱۳۷۸.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **آداب زندگی پیامبر (سنن النبوی)**، چ چهارم، قم، همگرا، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مکارم الاخلاق**، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، ۱۳۸۱.
- علی، جواد، **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۰م.
- فیض کاشانی، ملّامحسن، **معجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء**، چ دوم، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.
- قائمی، علی، **پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان**، چ چهارم، تهران، امیری، ۱۳۷۰.
- قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، چ ششم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسوه، ۱۳۷۰.
- متقی هندی، حسام‌الدین، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۴.
- محمدی ری‌شهری، محمد، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، چ دوم، بیروت، آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.